چند پیشنهاد جذاب از کتاب‌های دفاع مقدس با موضوع سبک زندگی شهدا و همسرانشان

لذت خواندن درس عاشقی شهدا

■ احمد محمدتبریزی

با رشد کمی و کیفی کتاب‌های خاطره‌نگاری در حوزه ادبیات دفاع مقدس شاهد انتشار آثاری شاخص و خواندنی از زندگی شهدا در چند سال اخیر بوده‌ایم. کتاب‌هایی که با محور قرار دادن زندگی شهدا و همسرانشان، ارزش‌های فراموش شده سال‌های نه چندان دور را برایمان بازگو می‌کنند. جوانان نسل‌های پس از جنگ در هیاهوی چهره‌های مشهور و در میان زرق و برق دنیای سرمایه‌داری بیش از هر زمان دیگری به شناخت قهرمان‌های دفاع مقدس نیاز دارند. فرهنگ دفاع مقدس با مرور سبک زندگی شهدا زنده می‌شود و با رجعت به آن دوره تاریخی طلایی، باید زندگی‌هایمان را بیمه کنیم. زندگی‌های ساده آدم‌هایی پاک و باصفا که از هر گوشه زندگی‌شان طراوت عشق سر می‌زند و اعتقادشان چنان از ته دل و ایمانشان از خلوص نیت است که خللی به آن وارد نمی‌شود. به مناسبت برگزاری نمایشگاه کتاب، چند اثر شاخص دفاع مقدس را معرفی خواهیم کرد که تأثیر خواندنشان را بر زندگی‌تان حس خواهید کرد. کتاب‌هایی که به‌سادگی از کنارشان عبور نخواهید کرد و توانایی ایجاد تغییر در زندگی‌تان را دارند.

چمران به روایت همسر شهید

در مورد مهارت‌های نظامی، قدرت فرماندهی، تبحر در جنگ‌های چریکی و پارتیزانی شهید مصطفی چمران صحبت زیاد شده ولی کمتر از زندگی عاشقانه و احساسی‌اش سخن به میان آمده است. کتاب «چمران به روایت همسر شهید» به خوبی و زیبایی هرچه تمام‌تر این بخش پنهان و مغفول از شخصیت شهید چمران را بازگو می‌کند و تازه آنجاست می‌فهمیم که با چه انسان بااحساس، مهربان و لطیفی روبه‌رو هستیم.

در دنیایی که ارزش آدم‌ها به مدل ماشین و قیمت خانه‌شان است، غاده روح والای مصطفی را دید. امام موسی‌صدر به او می‌گفت: «شما با مرد بزرگی ازدواج کرده‌اید. خدا بزرگ‌ترین چیز عالم را به شما داده.» خودش هم همینطور فکر می‌کرد و می‌دانست بزرگ‌ترین سعادت برای یک انسان آشنایی با یک روح بزرگ در زندگی‌اش است. هرچند که رسم خلقت این است که بزرگ‌ترین سعادت‌ها را با رنج‌های زیادی همراه می‌کند. رنج‌هایی که روح آدمی را صیقل می‌دهد و بزرگ می‌کند. غاده در کنار مصطفی قد می‌کشید و صیقل می‌خورد.

همسر شهید، غاده چمران در این کتاب از شخصیت پیچیده این انسان منحصربه‌فرد رمزگشایی می‌کند. کتاب در ظاهر کم‌حجم است ولی در باطنش و در هر صفحه‌اش هزاران حرف و صدها درس برای گفتن وجود دارد. تازه با خوانش این کتاب به تصویری درست و دقیق از شهید چمران می‌رسیم و بدون مطالعه آن انگار یک بخش از وجود آن ناگفته مانده است. غاده در ترسیم درست این شخصیت بزرگ نقش زیادی دارد. او از اولین لحظه دیدن نقاشی‌های چمران بر یک تقویم عاشقش می‌شود و به دنبال او هفت شهر عشق را می‌گردد. زندگی متمولش را رها می‌کند و همراه مصطفی برای کمک به یتیمان لبنانی به مناطق فقیرنشین شهر می‌رود یا با پیروزی انقلاب به کردستان می‌رود و زندگی عاشقانه‌اش را هرچند سخت ادامه می‌دهد.

همراهی یک اصل مهم در زندگی همسران شهدا بوده است. مهریه غاده قرآن کریم بود و تعهد از داماد که او را در راه تکامل و اهل بیت(ع) و اسلام هدایت کند. اولین عقد در شهر صور بود که عروس چنین مهریه‌ای داشت، یعنی در واقع هیچ وجهی در مهریه‌اش نداشت. روح غاده با چمران بیدار شده بوده و همین ارزش هر چیزی را داشت: «او می‌توانست دست مرا بگیرد و از این ظلمات، از روزمرگی بکشد بیرون. قانع نمی‌شدم که مثل میلیون‌ها مردم ازدواج کنم، زندگی کنم و... دنبال مردی بزرگ مثل مصطفی می‌گشتم، یک روح بزرگ، آزاد از دنیا و متعلقاتش.»

چمران چیزی از دنیا نداشت اما آنچه که به غاده داد یک دنیا بود. غاده با تمام وجودش این نعمت را احساس کرد و می‌گفت اگر همه عمرم را چه گذشته، چه مانده، در سجده گذاشتم نمی‌توانم شکر خدا را کنم. با مصطفی یک عالم بزرگ را گذرانده‌ام از ماده تا معنا، از مجاز تا حقیقت و از خدا می‌خواهم که متوقف نشوم در مصطفی.

این کتاب بیشتر از آنکه سرگذشت چمران و غاده باشد، یک کلاس درس است. وقتی کتاب تمام شود، گویی یک دوره فشرده درس زندگی را گذرانده‌اید و جلوه‌هایی تازه پیش چشمانتان گشوده خواهد شد. کتاب تمام معادلات پیشین و محاسباتتان را به هم خواهد ریخت و اگر اهلش باشید پس از آن طور دیگری به زندگی‌تان نگاه خواهید کرد. اگر با چشم دل کتاب را بخوانید قطعاً با پایان رساندن کتاب از این دنیای مادی دلزده خواهید شد و از خود خواهید پرسید آیا این همه تقلا برای جمع کردن مادیات ارزشش را دارد؟ آیا از اینکه عمر گرانبها را به لذت‌های کوتاه مدت دنیوی پیوند بزنم، ارزشش را دارد؟ آیا می‌توان طور دیگری زندگی کرد و دنیا را جور دیگری دید؟

گلستان یازدهم

همسران رزمندگان دفاع مقدس در وجودشان چه داشته‌اند که تمام نبودن‌ها، رفتن‌ها و سختی‌های زندگی را به جان می‌خریدند و در هر قدم استوارتر از قبل، از این همراهی جا نمی‌زدند. زندگی برای آنها در ایستادگی و وفاداری خلاصه می‌شد و آنها زندگی مشترک را با تمام سختی و خوشی‌ها و تلخ و شیرینی‌اش می‌خواستند. آنگونه نبود که از زندگی فقط خوشی‌هایش را بخواهند و به وقت سختی، رفتن به ماندن را ترجیح دهند.

زهرا پناهی رواء، همسر شهید علی چیت‌سازیان یکی از همان همسران است؛ با تمام سختی‌ها، شوهرش را عاشقانه دوست دارد و هر روز بر شدت این مهر و علاقه افزوده می‌شود. همسرش فرمانده نامی استان همدان بود و مسئولیت‌های زیادی بر دوش داشت.

برای درک بهتر ازدواج‌های آن زمان به دیالوگ‌های جلسه خواستگاری علی چیت‌سازیان توجه کنید:

«من بسیجی‌ام. به بسیجی پیرو خط امام. فاصله‌ام با مرگ یه ثانیه‌ست. دعا کنید شهادت نصیبم بشه. هر لحظه ممکنه شهید یا مجروح یا اسیر بشم. خیلی وقتا ماه به ماه به همدان نمیام... از مال دنیا هیچی ندارم: نه خانه، نه ماشین، نه پول، هیچی.»

پس از صحبت‌های اولیه و موافقت هر دو طرف برای ازدواج، زمانی که مادر شهید چیت‌سازیان می‌گوید به نیابت ۱۴ معصوم، ۱۴ سکه مهر عروس خانم می‌کنیم، پناهی‌رواء در گوش مادر می‌گوید که «چه خبره! خیلی زیاده!»

وقتی چنین نگاه‌ها و اندیشه‌های غیرمادی‌ای برای ازدواج با هم ترکیب شوند، قطعاً زندگی حال و هوای معنوی و زیبایی به خود خواهد گرفت. زندگی مشترک شهید چیت‌سازیان و پناهی‌رواء خیلی به درازا نکشید. یک سال و هشت ماه عاشقانه در کنار هم زندگی کردند و لحظاتش پر از حرف‌های بسیار است. شهید چیت‌سازیان در عملیات‌های مختلف چندین بار مجروح شد و هر بار همسرش در کنارش بود تا او بار دیگر با قدرتی بیشتر به جبهه بازگردد: «من پرستار اختصاصی علی‌آقا بودم؛ خودم خواسته بودم. سر ساعت به او آبمیوه و فالوده و کمپوت می‌دادم و ظهرها می‌نشستم کنارش و با اجبار من چلومرغ یا ماهیچه‌اش را می‌خورد. اگر میل نداشت یا نمی‌خورد، غذا را ۱۰ بار می‌بردم و برمی‌گرداندم تا عاقبت پیروزمندانه ظرف خالی را به آشپزخانه برمی‌گرداندم.»

علی چیت‌سازیان در پاییز سرد سال ۶۶ به شهادت رسید و یک ماه بعد فرزندش به دنیا آمد. بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب «دختر شینا» با هنرمندی هرچه تمام‌تر «گلستان یازدهم» را به نگارش درآورده تا بار دیگر یکی از کتاب‌های ماندگار و خواندنی این حوزه را بنویسد.

روزهای بی‌آینه

سرگذشت یک زن جوان ۲۰ ساله که دو سال پس از ازدواج، شوهرش به اسارت دشمن درمی‌آید و او ۱۸ سال انتظار می‌کشد، بدون اینکه بداند آینده چه سرنوشتی برایش رقم زده خواندنی و جذاب است. منیژه لشکری، همسر آزاده خلبان «حسین لشکری» در کتاب «روزهای بدون آینه» درس صبوری و استقامت می‌دهد. اینکه در سخت‌ترین روزها با تکیه بر خدا باید دست روی زانوان گذاشت و زندگی را ادامه داد. شاید این روایتِ زندگی، تلنگری باشد به آنان که از برابر حقایق تلخ می‌گریزند و با اندک باد ناموافق در پی نجات جان و مال خویشند.

حسین لشکری با شروع رسمی جنگ تحمیلی در اولین روزهای جنگ پس از انجام ۱۲ مأموریت، هواپیمایش مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفت و در خاک دشمن به اسارت نیروی بعث عراق درآمد. او ۱۸ سال در عراق اسیر بود و تا ۱۴ سال کسی خبری از او نداشت. این یعنی همسرش ۱۴ سال را در بی‌خبری محض به سر برد و هر روزِ این سال‌ها را با امید و عشق بازگشت شوهر سر کرد. زندگی شیرین و عاشقانه‌شان بناگاه فرو ریخت و جایش را به دلتنگی، تعلیق و بلاتکلیفی داد.

منیژه لشکری در این کتاب از تک تک لحظات سختی که بر او و فرزندش گذشته سخن گفته و گلستان جعفریان به زیبایی آن را نگارش کرده است. نویسنده با تیزهوشی و مهارت همسر آزاده شهید حسین لشکری را سوژه قرار داده و عمق لایه‌های شخصیت این زن را واکاوی و یافته‌های خود را با جسارتی کم‌نظیر به قلم تحریر درمی‌آورد. چیزی که امتیاز این اثر محسوب می‌شود و از سایر کارها در این حوزه متمایزش می‌کند.

حسین لشکری پس از ۱۸ سال با بدنی زخمی و ضعیف به میهن بازگشت. از صلابت و قدرت جوانی‌اش خبری نبود. پسرش که حالا جوانی رعنا و رشید شده، با او غریبگی می‌کرد.

نیمه دوم کتاب که شرحی بر بازگشت شهید لشکری به خانه است، جذابیت‌های خودش را دارد. کتابی کم‌حجم، روان و خواندنی که خواننده‌اش را وارد دنیایی دیگر می‌کند. خواننده در تمام روزهای سختی و دشواری، همراه او می‌شود و می‌فهمد در زندگی نباید به راحتی جا زد. باید ایستاد و مقاومت کرد. زنی که حتی طاقت یک روز دوری از شوهرش را نداشت، با صبوری بسیار ۱۸ سال منتظر ماند. تصور این همه صبوری کاری مشکل است.

«روزهای بی‌آینه» به ظاهر کم‌حجم به نظر می‌رسد، اما این کم‌حجمی حاصل یک پختگی و مصداق کم‌گوی و گزیده گوی است. مؤلف بدون اینکه خواننده را در پیچ و خم قلم‌فرسایی‌های بیهوده معطل کند و او را سرگرم حاشیه‌های تودرتو آنچنان که مرسوم است بنماید سرراست به سوی هدف و نتیجه هدایت می‌کند. شاید همین ویژگی موجب شده تا از همان سطرهای اول میان واژه‌ها و خواننده ارتباطی عاطفی برقرار شود و ذهن و جان مخاطب را سرشار از احساسات پاک کند تا آنجا که خواننده در حالی که با چشمان خیس از اشک کتاب را تمام می‌کند هنوز ذهنش درگیر ماجراهای شخصیت کتاب است و نسبت به کسانی با وضعیت مشابه با دیده دیگری می‌نگرد.

گفت‌وگو

نهضت خدمات‌رسانی بسیج به عموم مردم در گفت‌وگوی «جوان» با فرمانده پایگاه شهید حسینی

ساختمان پایگاه ما قبلاً پاتوق معتادها بود!

■ غلامحسین بهبودی

دست‌های بسیاری در کارند تا بسیج را جدای از مردم معرفی کنند، اما اگر خوب نگاه کنیم، بسیج از خود مردم است و به خاطر ماهیت مردمی‌اش نیز می‌تواند نزدیک‌ترین ارتباط را با اقشار مختلف مردم برقرار کند. اخیراً که با فعالیت‌های پایگاه بسیج شهید سید مجتبی حسینی در شهرستان قدس آشنا شدیم، به‌خوبی دریافتیم که اگر روحیه بسیجی باشد، چه کارهای بزرگی را می‌توان با دست خالی و در محروم‌ترین مناطق انجام داد. عباس غیاثی فرمانده بسیجیان این پایگاه است که با شعار «نهضت خدمات‌رسانی بسیج به عموم مردم» فعالیت می‌کنند.

شهرستان قدس یکی از مناطق محروم اطراف تهران است، فعالیت در این منطقه چه مشکلاتی دارد؟

مشکل عمده‌ای که در شهرستان قدس وجود دارد، بیکاری جوانان است که منشأ بزهکاری می‌شود. مکانی که الان پایگاه ما در آن قرار دارد داخل بوستان شهید مدنی است. اینجا قبلاً پاتوق معتادهای محله بود. ۱۰ الی ۱۵ سال پیش پدرم از پایگاه بسیج شهید مدنی مأمور شد تا مکان کنونی پایگاه را تحویل بگیرد و راه‌اندازی کند. آن موقع اینجا اصلاً در و پنجره نداشت. معتادها و بزهکارها هم به‌راحتی‌ها کوتاه نمی‌آمدند. بارها برای پدرم و بنده و سایر بسیجی‌ها مزاحمت ایجاد کردند. با وجود همه این مشکلات و مسائل، پایگاه را راه انداختیم و الان یک سال و نیم است که پایگاه شهید حسینی جاافتاده است.

با وجود بزهکاری‌هایی که گفتید، چه کاری برای تطهیر چهره محله‌تان انجام دادید؟

در قدم اول ما یک قرارگاه فرهنگی، ورزشی، سازندگی تشکیل دادیم. همه فعالیت‌های ما در این قرارگاه هماهنگ می‌شود. در تابستان سال گذشته هر شب نماز جماعت را داخل پارک و در فضای روباز برگزار می‌کردیم. بعد از نماز هم برنامه پخش و تماشای رایگان فیلم داشتیم. سعی‌مان این بود با پای کار آوردن مردم، فضای بوستان شهید مدنی را عوض کنیم. وقتی مردم مذهبی منطقه برای نماز سطح پارک را پوشاندند، خود به خود معتادهایی که آنجا پاتوقشان بود به جاهای دیگری رفتند. همچنین با همکاری سازمان فرهنگی، ورزشی شهرداری قدس، برنامه ورزش صبحگاهی را برگزار کردیم. در این خصوص کار بچه‌های بسیج بیشتر تأمین امنیت و توزیع اغذیه در مناسباتی مثل هفته سلامت بود. یک زمانی مردم جرئت نمی‌کردند حتی در محیط پارک قدم بزنند، اما حالا با حمایت بسیج، به صورت گروهی آنجا حضور می‌یابند و فضای محله به کلی عوض شده است.

به هر حال جوان‌های معتادی که گفتید جزو همین مردم هستند؛ برای راهنمایی آنها اقداماتی انجام داده‌اید؟

مشکل خیلی از این جوان‌ها بیکاری است و می‌دانید که تأمین شغل کار ساده‌ای نیست. آن کاری که از دست ما برمی‌آید تغییر فضای پارک شهید مدنی و همین طور فراهم کردن فضای مناسب برای ورزش جوان‌هاست. مثلاً خرابه‌ها و زمین‌های بی‌مصرفی که پر از چاله و آشغال بودند را مسطح کردیم و تور نصب کردیم تا بچه‌های محله به جای پرسه زدن در آن، والیبال بازی کنند. یا تمام میزهایی که داخل پارک در حال پوسیدن بودند را تعمیر کردیم تا هر کسی بخواهد شطرنج بازی کند یا سایر بازی‌های فکری را انجام دهد. همه اینها هم به صورت خودجوش و مردمی صورت گرفت.

> با چند نفر از پزشکان شهرستان برای ارائه ویزیت رایگان صحبت کردیم. از دکتر عمومی گرفته تا پزشک زنان و دندان‌پزشک و... عزیزانی اعلام آمادگی کردند. هر نیازمندی که محتاج خدمات پزشکی باشد، با معرفی‌نامه پایگاه شهید حسینی، رایگان ویزیت می‌شود

گویا در پایگاهتان افراد نیازمند را هم تحت پوشش قرار می‌دهید؟

با همکاری انجمن خیریه همای رحمت، چند وقتی می‌شود که خدماتی را به مستمندان ارائه می‌دهیم. به عنوان نمونه با چند نفر از پزشکان شهرستان برای ارائه ویزیت رایگان صحبت کردیم. از دکتر عمومی گرفته تا پزشک زنان و دندان‌پزشک و... عزیزانی اعلام آمادگی کردند. هر نیازمندی که محتاج خدمات پزشکی باشد، با معرفی‌نامه پایگاه شهید حسینی، رایگان ویزیت می‌شود. همچنین با هماهنگی مؤسسه همای رحمت، سعی کردیم خدماتی مثل آرایشگری، عکاسی، گل‌فروشی و... را که لازمه ازدواج آسان است به صورت نیم‌بها به جوانان نیازمند ارائه بدهیم. توجه به رفع نیازمندی‌های خانم‌های سرپرست خانوار هم از دیگر اقدامات ما است. با مساعدت مراکز فنی و حرفه‌ای، این عزیزان به صورت رایگان آموزش می‌بینند، سپس مؤسسه همای رحمت به آنها چرخ خیاطی ارائه می‌دهد تا وقتی که سرپرست خانواده کسب درآمد کرد، پول چرخ خیاطی‌ها را به صورت اقساطی به مؤسسه پرداخت کند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۳۶۴

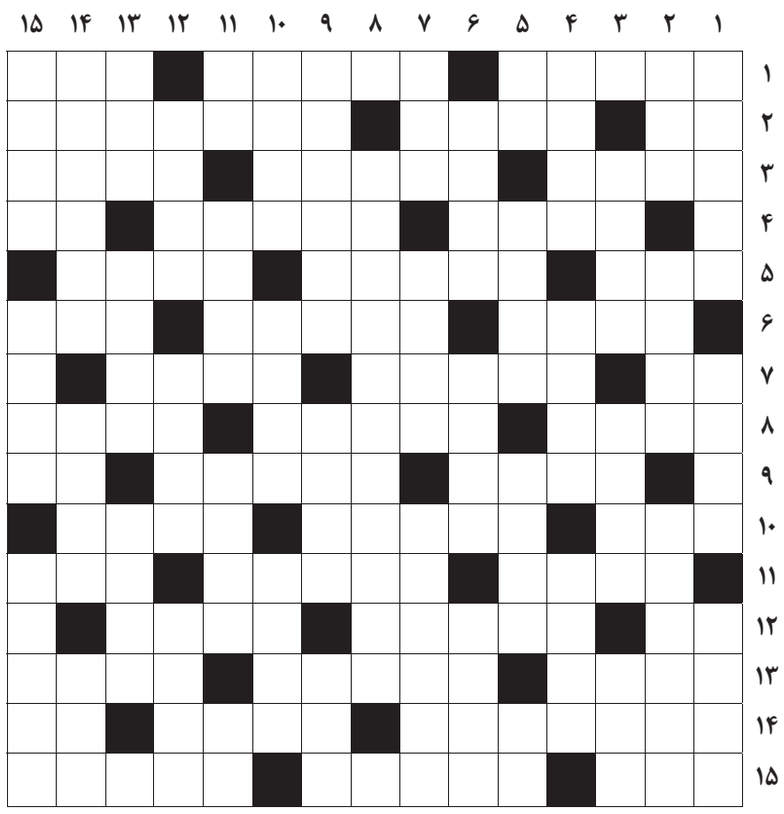

از راست به چپ

■ ۱- شاعر و متفکر بنام پاکستانی و صاحب اثر ارمغان حجاز- از ترکیب جوهر نمک و آمونیاک به دست می‌آید- یک حرف و سه حرف ■ ۲- سایه- روشن و درخشان- یکی از چهار گروه بزرگ نژادهای انسانی؛ ساکنان بومی قاره امریکا ■ ۳- آدینه- دروازه‌بان تیم ملی آلمان در یورو ۱۹۹۶- خوب و زیبا ■ ۴- جمع ذره- از اقلیت‌های مذهبی کشور- جنس قوی ■ ۵- کفش- واحدی برای پرواز هواپیمای جنگی- میوه پخته شده در شکر ■ ۶- نوعی تیر آهن- روغن مردگان- تاریکی اول شب ■ ۷- نت موسیقی- از واجبات نماز- اعضای کابینه ■ ۸- مسیحی- کلانتر- شرم و حیا ■ ۹- باقی گذاشتن- کرکس- خدای مصنوعی ■ ۱۰- از حروف مقطعه قرآنی- فیلسوف و متکلم ایتالیایی قرن یازدهم که برهان وجودی‌اش معروف است- بزرگ‌ترین سوره مکی ■ ۱۱- شکل و قیافه- از شهرهای استان هرمزگان- شکم ■ ۱۲- اسم آذری- ترکیب دو یا چند فلز از طریق ذوب کردن- همراه دارا ■ ۱۳- تفأل خیر- زن گندمگون- سیاه و سفید ■ ۱۴- هماهنگی – پس از استقلال پاکستان، نخستین رئیس حکومت آن کشور شد- رود چین ■ ۱۵- از قله‌های زاگرس- خوردنی- کربن خالص بلوری

از بالا به پایین

■ ۱- کتاب مقدس مسیحیان- رأی و نظر مجتهد- کلمه‌ای برای گفتن شهادتین ■ ۲- از جزایر خلیج فارس- درخت سدر- شهری در استان چهارمحال و بختیاری ■ ۳- رنج و درد- نژاد عرب- پشت سر ■ ۴- از شهرهای استان زنجان- رسیدن به حداکثر سرعت در وسایل نقلیه- عنوان احترام‌آمیز برای بانوان ■ ۵- حرف نفی عرب- دربند- کشنده- قوم ذبح شده ■ ۶- یکصدم در سیستم متری- جنبش و حرکت- از بخش‌های اوستا ■ ۷- آدم بدقلق- پوسیده- نوعی کاشی ■ ۸- آسیب‌شناسی ■ ۹- شمشیربازی- جاوید- مرد ■ ۱۰- پول مراکش- زوج افسانه‌ای اندی کول در منچستریونایتد- سهل و میسر ■ ۱۱- چهره- اظهار بندگی در برابر حضرت دوست و دل بریدن از هر چه غیر او- خودی- یک و یک ■ ۱۲- از مواد لبنی – رکوع کننده- کوچ‌کننده ■ ۱۳- کوچه و برزن- گودال- ابر سفید ■ ۱۴- پول کاغذی- پایتخت مراکش- پرچم ■ ۱۵- سستی- بها- زنگ کلیسا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱						۳		
۸				۳		۴	۹	
			۹		۷			
		۶				۷	۴	
		۲			۹		۶	
				۷	۸			
	۳		۲					۱
	۵							۹
	۹		۸			۲		

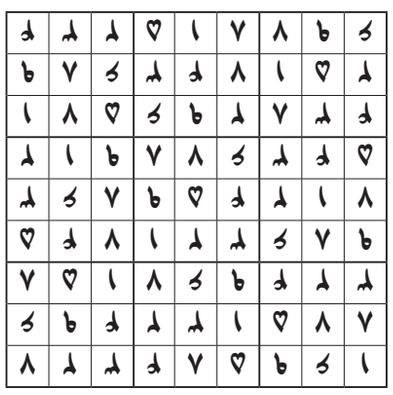

جدول کلمات متقاطع
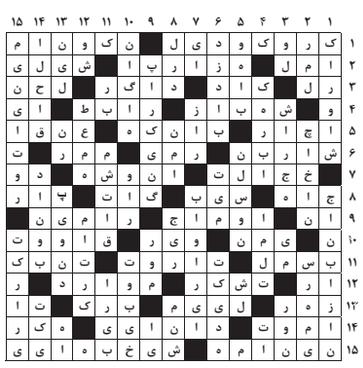
پاسخ جدول شماره ۵۳۶۳